

اعجاز تربیتی قرآن کریم

محمد عارف شریفی

دانش آموخته سطح چهار حوزه و دانشجوی دکترای قرآن و علوم با گرایش تربیتی. مجمع آموزش عالی علوم انسانی:
mohammadarifsharifi۵۶@gmail.com

مقدمه

تاکنون ابعاد مختلفی از اعجاز قرآن کشف شده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به اعجاز بیانی، اعجاز تشریعی و اعجاز علمی اشاره کرد.

یکی از ابعاد اعجاز قرآن که تاکنون مورد توجه بایسته قرار نگرفته، اعجاز تربیتی قرآن می‌باشد؛ بنابراین، در این نوشتار برآنیم تا ضمن بررسی موضوعات تربیتی مطرح شده در قرآن کریم و ارائه دورنمایی کلی از بینش تربیتی قرآن، اعجاز این بُعد از قرآن کریم را بیان نماییم.

مفهوم شناسی

اعجاز

واژه معجزه از مصدر اعجاز مشتق شده از ریشه ثلاثی مجرد (ع ج ز) است که به معنای در ماندگی، نا توانی و نیز انتهای هر چیز است (ابن فارس، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۲۳۲). راغب اصفهانی می‌نویسد: عجز به معنی پایان یک چیز می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۸: ص ۳۳۴). اعجاز در اصطلاح علم کلام و تفسیر، کار شگفت و امر خارق عادت است که پیامبران الهی به رغم قوانین عادی و جاری طبیعت به منظور اثبات ادعای رسالت خدایی خویش انجام می‌دهد. اموری که آدمیان عادی از انجام مانند آن در مانده اند.

مفهوم تربیت

در کتب لغت برای واژه تربیت سه ریشه ذکر شده است؛ ربا، یربو؛ ربی، یربی، رب، یرب. در تمام این موارد نوعی پروراندن، رشد دادن و افزودن در معنای تربیت اخذ شده است. اما بیشتر ارباب لغت، تربیت را از ریشه رب، یرب گرفته و به تعریف آن پرداخته‌اند. راغب اصفهانی تربیت را از همین ریشه گرفته و به معنای دگرگون کردن گام‌به‌گام و پیوسته هر چیزی می‌داند تا به کمال مطلوب برسد. «رب؛ الرَّبُّ فی الأصل: التَّربیة، و هو إنشاء الشيء حالاً فحالاً إلی حدِّ التمام، یقال رَبَّه، و رَبَّاه و رَبَّیْه» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹: ۳۳۶).

در لسان العرب نیز تربیت از ریشه رب ذکر شده است و بر معلم و مربی رب اطلاق شده است: «الرَّبُّ يُطْلَقُ فِي اللُّغَةِ عَلَى الْمَالِكِ، وَالسَّيِّدِ، وَ الْمُدَبِّرِ، وَ الْمُرَبِّي، وَ الْقَيِّمِ، وَ الْمُنْعِمِ قَالَ: وَ لَا يُطْلَقُ غَيْرَ مُضَافٍ إِلَّا عَلَى اللَّهِ، عَزَّ وَ جَلَّ» (محمدا بن منظور، ۱۴۱۲: ج ۳۹۹، ۱).

اعجاز تربیتی

برای اعجاز تربیتی قرآن با توجه به سه رویکرد که در اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی می توان تصور کرد، سه تعریف ارائه شده است که آن سه تعریف عبارتند از:

۱. اعجاز گزاره ای: یعنی گزاره های تربیتی قرآن، مشتمل بر آموزه های خبری و انشایی تربیتی مطابق با واقع و صحیح است و قبل از قرآن در هیچ مکتب تربیت بشری مطرح نشده است.
 ۲. اعجاز تحولی: فقط قرآن کریم است که با حقیقت ماورائی خود در قالب متنی مقدس، می توان در مدت کوتاهی به صورت خارق العاده ای به طور همه جانبه عمیق، تحول تربیتی در انسان ها ایجاد کند و جامعه اسلامی صدر اسلام به ویژه جامعه نبوی در زمان حضور رسول گرامی اسلام (ص) نمونه با رز آن است.
 ۳. اعجاز نظام واره ای: نظام تربیتی قرآن نظام کامل و جامعی است و نظام های تربیت بشری در مقایسه با نظام تربیت قرآنی کاستی های فراوانی دارند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ص ۴۱۶). در این جا منظور از اعجاز تربیتی قرآن کریم، نقش قرآن در تحول تربیتی فرد و اجتماع است به گونه ای که دیگران از آوردن مثل این نوع از تربیت با این ویژگی های خاص عاجز باشند.
- در مجموع از تعاریف و ویژگی های یاد شده برای معجزه می توان نتیجه گرفت که در تحقق معجزه شش شرط لازم است.

۱. به خواست و عنایت خدا صورت گیرد.
 ۲. به دست مدعی نبوت آشکار شود.
 ۳. به گونه ای باشد که نشانه صدق ادعای پیامبر باشد
 ۴. خارق عادت باشد.
 ۵. دیگران از انجام آن عاجز باشد.
 ۶. همراه تحدی بوده و از معارضه سالم بماند. (شاهد، بی تا: ص ۲۴۹)
- به عبارت دیگر در معجزه سه حیثیت وجود دارد:
- حیثیت اول: جهت معجزه گر که باید مدعی منصب الهی و تحدی کننده باشد و هدف او هم اثبات امر محال نباشد.
- جهت دوم: جهت معجزه که باید خارق عادت بوده و گواه صدق ادعا باشد و از امور شر هم نباشد.

جهت سوم: جهت مخاطبان معجزه که باید از آوردن مثل آن معجزه نا توان باشد.

پیشینه بحث

تألیف در اعجاز تربیتی قرآن پیشینه طولانی ندارد و عمده آن ها در یک دهه گذشته بوده که در قالب کتاب، پایان نامه و مقاله نگارش یافته است.

در مورد اعجاز تربیتی کتاب های نگارش یافته است که مواردی از اعجاز تربیتی قرآن را ادعا نموده اند از جمله: کتاب الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم، از مصطفی رجب که در اردن چاپ شده است. در این کتاب ابتدا مفهوم تربیت قرآنی توضیح داده شده است و سپس به جایگاه قرآن و تفسیر موضوعی و محتوای تربیتی قصص قرآن، از جمله قصه نوح، بنی اسرائیل، اصحاب اخدود، قوم سبأ، داود و سلیمان، پرداخته شده است. کتاب مذکور در ادامه دو نمونه از آیات بقره ۲۳۳ و مریم ۴۵ که اعجاز تربیتی دارد را بر شمرده است.

کتاب دیگر که به اعجاز تربیتی قرآن اشاره نموده است، کتابی است به نام؛ من وجوه الاعجاز، مال محمد فرید که در بیروت منتشر شده است. مولف در این کتاب در چند مورد ادعای اعجاز تربیتی نموده است: از جمله در باره آیات مربوط به ازدواج، زنان، رسیدگی به ایتام نیکی به پدر و مادر و تغییرات تربیتی اجتماعی که در اثر حضور قرآن پدید آمده است.

در واقع کتاب های که در این زمینه نگاشته است دو دسته اند، دسته ی که به صورت ضمنی بحث اعجاز تربیتی قرآن در آن مطرح شده است. دسته ی دوم که مستقلاً به موضوع بحث پرداخته است.

دسته ی اول، مثل کتاب آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. علامه بلاغی از نخستین مفسرانی است که در مقدمه تفسیرش به اعجاز تربیتی اشاره نموده است.

در تفسیر نمونه در مواردی به اعجاز تربیتی قرآن اشاره شده است.

در بعضی از کتبی که بحث اعجاز قرآن مورد بررسی قرار گرفته، اعجاز تربیتی قرآن نیز بررسی شده است. مانند کتاب اعجاز القرآن از دکتر امیر عبد العزیز (محمد علی رضایی، ۱۳۸۵: دوفصلنامه علمی، شماره ۹، ص ۱۳۴).

جدید ترین مباحث نگارش یافته در حوزه قرآن و تربیت که به بررسی اعجاز تربیتی قرآن نیز پرداخته است، کتاب علوم قرآن ۲، اعجاز قرآن کریم در علوم طبیعی و انسانی، از رضایی اصفهانی است.

تفاوت علوم طبیعی و انسانی

علوم طبیعی و انسانی هرچند هر دو از علوم تجربی به شمار می آیند اما تفاوت های هم دارند. الف. علوم طبیعی موضوعش، طبیعت بدون اراده و اختیار است. اما موضوع علوم انسانی، انسان با اراده و اختیار است.

ب. هدف اساسی علوم طبیعی شناخت طبیعت و کشف روابط بین پدیده های آن برای تسلط بر آن است که قابل پیش بینی است، اما هدف علوم انسانی شناخت رفتارها و روابط انسان ها است که با توجه به اراده و اختیار آن ها کم تر قابل پیش بینی است و این مطالعه، برای تغییر در رفتارها و ایجاد رفتار مطلوب در فرد می باشد.

ج. روش در علوم طبیعی بر اساس آزمایش کنترل شده است که غالباً همراه با توصیف و تحلیل است اما در علوم انسانی محیط آزمایش کم تر قابل کنترل است و بیشتر از روش توصیفی و تفسیری استفاده می شود.
د. در علوم انسانی با انسان مختار رو برو هستیم؛ اما در علوم طبیعی با اجسام بدون اختیار.
ه. علوم انسانی در سرنوشت بشر تأثیر بیشتری دارد حتی مدیریت علوم طبیعی در دست علوم انسانی است، مثل سیاست و تربیت.

رویکرد های اعجازی در حوزه علوم انسانی

در حوزه علوم انسانی حد اقل می توان سه رویکرد برای طرح اعجاز علمی قرآن تصور کرد.

۱. وجود گزاره های علمی مطابق واقع

منظور آن است که با پیشرفت علوم انسانی نظریاتی مطرح شده است که به عنوان نظریات درست و کار آمد مشهور شده است و با گزاره ها، پیام ها و آموزه های غیبی قرآن هماهنگی و همسویی دارد. در این مورد ادعاهای متعددی در حوزه اقتصاد، مثل اقتصاد بدون ربا و در حوزه علوم تربیتی مثل نکات تربیتی آیه رضاع (بقره-۲۳۳). و... مطرح شده است که در ادامه بررسی خواهند شد.

۲. رویکرد دوم، تحول و شور آفرینی قرآن

قرآن کریم در محیطی نازل شد که انسان گرفتار جاهلیت علمی و فرهنگی و عقب ماندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بود، اما آموزه های قرآن کریم چنان تأثیری در بشریت گذاشت که بعد از مدتی تحول بلکه انقلابی فرهنگی، علمی، اقتصادی و اجتماعی در مردم صورت گرفت. این جهش تاریخی بشریت آن عصر که عمدتاً در حوزه علوم انسانی صورت گرفته است نوعی اعجاز علمی قرآن در بستر تاریخ است، یعنی تأثیر علمی قرآن در تحول تربیتی با تغییر قوانین و مبانی تربیتی، موجب رشد جهشی در این حوزه شد و همین مطلب در اعصار بعدی قابل تکرار در جوامع دیگر است. البته این مطلب با بررسی تاریخی تأثیرات قرآن قابل ارائه است.

۳. رویکرد سوم، استنباط نظام برتر از قرآن

قرآن کریم ارایه دهنده نظام تربیتی، اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و... است که هر کدام دارای مبانی، اهداف، روش ها و آموزه های خاص خود است که در عصر کنونی می توان آن ها را با نظام های دست ساخته بشری مقایسه کرد و از جهات متعدد برتری و کار آمدی نظام های قرآنی را نمایان ساخت.

رویکردها در اعجاز تربیتی قرآن

اول: اعجاز تربیتی قرآن در تنظیم قوانین حقوق کودک

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلَها وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلُكُهُ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره-۲۳۳). و مادران فرزندان را دو سال کامل شیر می دهند. این برای کسی است که بخواهد دوران شیردادن را به اتمام رساند. و بر آن کس که نوزاد برایش متولد شده لازم است خوراک مادران و پوشاک آنان به طور پسندیده در دوران شیر دهی فراهم آورد. هیچ کس، جز به اندازه ی توانایی اش، تکلیف نمی شود. هیچ مادری به واسطه ی فرزندش ضرر نبیند و نه کسی که فرزند برایش متولد شده به واسطه ی فرزندش ضرر ببیند. و بر وارث مانند این احکام واجب است. و اگر والدین بارضایت و مشورت هم دیگر بخواهد کودک را زودتر از شیر بگیرد، پس هیچ گناهی بر شما نیست؛ هنگامی که آنچه را وعده داده اید به طور پسندیده بپردازید. و خودتان را از عذاب خدا ننگه دارید و بدانید که خدا به آن چه انجام می دهید بیناست.

نکته ها در آیه

در آیه فوق دستورات مختلفی در باره شیر دادن نوزادان آمده و به حقوق گوناگون که مادر و فرزند و پدر در این زمینه دارند، اشاره شده است. که می توان آنها را در هفت بخش بیان کرد:

نکته اول. از آن جا که تغذیه جسم و جان نوزاد در این مدت با شیر و عواطف مادر پیوندی نا گسستنی دارد؛ به خاطر رعایت عواطف مادری و حق کودک، حق ننگه داری و سر پرستی کودک به مادر وا گذار شده است با این که سرپرستی کودکان بر عهده پدر است.

نکته دوم. هزینه زندگی مادر در دوران شیردهی از قبیل غذا و لباس بر عهده پدر نوزاد است تا مادر بتواند با خاطر آسوده فرزندش را شیر دهد و چنانچه زن طلاق گرفته باشد نیز، همین حکم جاری است.

نکته سوم. هیچ یک از پدر و مادر نباید با اختلافات خویش سر نوشت کودک خود را قربانی کنند بدین و سیله ضربه های جبران ناپذیری به روح و روان خود و نوزاد وارد سازد.

نکته چهارم. هرگز نمی توان از حق شیر دادن و سرپرستی مادر جلو گیری کرد، مگر این که خودش امتناع ورزد و یا مانعی برای او پیش آید که در این صورت می توان ننگه داری و شیر دادن کودک را به دایه ی مناسبی واگذار کرد.

نکته پنجم. تعبیر معروف در آیه ی فوق نشان می دهد که لباس و غذا مادر باید در حدود متعارف و شایسته ی حال او تأمین شود، یعنی نه سخت گیری و نه اسراف گردد.

نکته ششم. تکلیف انسان ها به اساس و وسع و توان آن هاست و نباید از نظر اقتصادی بر پدر کودک فشار وارد شود.

نکته هفتم. از این آیه و آیات مشابه، متوجه جامعیت احکام اسلام می شویم، چرا که برای همه مراحل زندگی انسان، از دوران نوزادی تا هجرت، جهاد و فرهنگ، برنامه ریزی کرده است.

آموزه ها و پیام ها

۱. اسلام مدافع حقوق کودک و مادر اوست.
۲. والدین کودکان خود را فدای اختلافات و طلاق خود شان نکنند.
۳. باید در دوران شیرخوارگی به کودکان و مادران آنها توجه نموده و حقوق و هزینه های آنان تأمین شود؛
۴. تکلیف هر کس به اندازه توان اوست؛
۵. سر نوشت کودکان را با توجه به اصل مشاره و رضایت والدین رقم بزنید و کودک را قربانی مشاجرات خود نکنید؛
۶. در مورد حقوق کودکان و مادرانشان کوتاهی نکنید که اعمال شما تحت نظر خداوند است (ر-ک، رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ج ۲، ذیل آیه ۲۳۳ بقره).

ادعای اعجاز تربیتی در آیه فوق

صاحب کتاب الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم، دکتر مصطفی رجب از قرآن پژوهان مصری، با طرح آیه فوق، ابتدا به بررسی قرائات و اعراب آیه پرداخته و سپس بحث عام تربیتی و تفسیری آیه را بیان نموده و با ذکر مقدمه ای مبنی بر اینکه تربیت بشری خطا پذیر است و بهداشت روانی و اعتدال را فراموش کرده است ولی تربیت اسلامی این گونه نیست از چهار جهت ادعای اعجاز در آیه فوق را مطرح نموده است (ر-ک، الاعجاز التربوی، ص ۱۶۰-۱۶۹).

اعجاز در تعبیر لا تضار

دکتر مصطفی رجب در مبحث قرائات آیه ۲۳۳ بقره به چند قرائت اشاره می کند؛

الف. لا تضار به فتح را که قرائت عاصم، حمزه و کسایی است و لا نا هیه بوده .

ب. لا تضار به ضم را که قرائت ابن عمرو و ابن کثیر و یعقوب است و لا را نافیه گرفته است.

ج. لا تضار بسکون را که قرائت ابو جعفر مدنی است و لا نا هیه است.. ایشان بر اساس قرائت دوم از دو جهت ادعای اعجاز تربیتی در آیه می کند، نخست این که لا نافیه بوده که خبر بلیغ تر در نفی است و تأثیر آن در سلوک انسان بیش تر است، چون وقتی به کسی گفته شود: شما به فرزندت زیان نمی رسانی، تأثیر آن بیش تر است و تربی احساس می کند که مطابق فطرت او سخن گفته شده است. و مخالفت با آن درست نیست. دوم این که فعل مضارع دلالت به حال و آینده می کند و ضرر زدن در حال و آینده با اراده و اختیار است که نتیجه آن ثواب و عقاب است. پس گویا خدای متعال از فعلی نهی کرده است که به صورت ضروری متضمن هشدار به عقاب است و این نهایت اعجاز است در انگیزش اراده بشری و به فعلیت رساندن آن (مصطفی رجب، ۱۴۱۷: ص ۱۶۷).

اعجاز تربیتی در اطلاق اضرار

موضوع آیه ضرر زدن به کودک در مورد شیر دادن و اجرت آن است ولی قرآن کریم ضرر زدن را با تعبیر لا تضار به صورت خلاصه و مطلق آورد و این باعث می شود که همه اقشار ضرر؛ جسمی، روحی، روانی و مالی را شامل شود (پیشین، ص ۱۶۹). این ایجاز و اطلاق در بیان ضرر، اعجاز است. (رضایی اصفهانی، پیشین).

ابعاد علمی آیه

آیه فوق از جهاتی که مصطفی رجب بیان داشته و نیز از جهت ابعاد و اشارات علمی دیگری که در آیه مطرح است، اعجاب هر انسانی را بر می انگیزد و همگی از ابعاد مختلف قابل بررسی است. از جمله:

۱. در بعد حقوقی، به حقوق کودک، پدر و مادر و دایه اشاره کرده است.
۲. در بعد اقتصادی به هزینه مادر، کودک، دایه و تنظیم روابط اقتصادی آن ها با پدر و تأثیر عرف در این زمینه اشاره کرده است.
۳. در بعد پزشکی به لزوم تغذیه با شیر مادر در طول دوسال اشاره نموده است.
۴. در بعد تربیتی به مشاوره والدین، لزوم زیان نرساندن به کودک و اصل رضایت پدر و مادر در مسائل خانوادگی و عدم تحمیل تکالیف اشاره کرده است.
۵. در بعد روانشناختی به تحریک عاطفی پدر و مادر (با تعبیر بولده - مولدله - والدۀ ...) رعایت عواطف مادر در علاقه به سر پرستی کودک و ایجاد آرامش و رفع فشار روانی در خانواده اشاره دارد.
۶. در بعد فقهی به بحث رضاع، ارث، نفقه، تأثیر زمان و مکان در موضوعات احکام اشاره کرده است.

اعجاز تربیتی قرآن در شیوه های تربیت

وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا (مریم- ۴۵-۴۱).

و در این کتاب به یاد ابراهیم پرداز زیرا او پیامبری بسیار راستگوی بود. چون به پدرش گفت پدر جان چرا چیزی را که نمی شنود و نمی بیند و از تو چیزی را دور نمی کند می پرستی. ای پدر به راستی مرا از دانش آمده که تو را نیامده است پس از من پیروی کن تا تو را به راهی راست هدایت نمایم. پدر جان شیطان را میپرست که شیطان خدای رحمان را عصیانگر است. پدر جان من میترسم از جانب خدای رحمان عذابی به تو رسد و تو یار شیطان باشی.

نکته ها و اشاره ها در آیات فوق

الف. صدیق صیغه مبالغه و به معنای کسی است که بسیار راست گوشت و یا کسی که هرگز دروغ نمی گوید، بلکه توان دروغ گفتن را ندارد چون تمام عمر به راست گویی عادت کرده است و یا کسی که عملش تصدیق کننده سخن و اعتقاد اوست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ج ۱۴، ص ۷۶).

ب. حضرت ابراهیم (ع) قبل از نبوت صدیق بود و این امر اهمیت این صفت را می رساند و گویی صدیق بودن زمینه ساز شایستگی برای نبوت است.

ج. واژه اب در لغت عرب گاهی به معنای پدر و گاهی به معنای عمو آمده است.

د. حضرت ابراهیم در این آیه برای نفی بت پرستی و شرک دلیل قاطع آورده است، یعنی به عمویش گفته است که هدف از پرستش جلب منفعت و دفع ضرر است، اما این بت ها نمی توانند مشکلی را حل کند و ضرری را دفع کنند، بنا براین پرستش آن ها لغو و بیهوده است.

ه. حضرت ابراهیم دعوت خود را از خویشاوندان نزدیکش شروع می کند؛ همان گونه که خدا به پیامبر اسلام (ص) نیز چنین دستور داد. « و انذر عشیرتک الاقربین » (شعراء-۱۱۴).

آموزه ها و پیام ها در آیات فوق

۱. رهبران الهی مثل پیامبران با خرافه ی بت پرستی مبارزه کنند.
۲. مبلغان دینی دعوت را از خویشاوندان نزدیک شروع کنند.
۳. معبود های دروغین که شنوا و بینا نیستند و نمی توانند خطرهای را از انسان دفع کنند شایسته پرستش نیست.
۴. هرکس از دانشمندان الهی پیروی کند به راه درست رهنمون می شود.
۵. شرک و بت پرستی، نوعی شیطان پرستی است.
۶. فرجام شرک، همراهی با شیطان و گرفتاری در عذاب الهی است.
۷. مواظب خطر شیطان باشید و از او پیروی نکنید که فرجامی عذاب آلود دارد. (رضایی اصفهانی، پیشین، ذیل آیه ۴۱-۴۵ مریم).

ادعای اعجاز تربیتی در آیات فوق

مصطفی رجب در کتاب الاعجاز التربوی در مورد آیات فوق از چند جهت ادعای اعجاز تربیتی می کند (مصطفی رجب، پیشین، ص ۱۶۹-۱۸۲).

۱. ایجاد انگیزه دانستن و مطالعه تربی؛ از نظر متخصصان تعلیم و تربیت یادگیری بدون انگیزه نمی شود و در این آیات حضرت ابراهیم هدفی را برای یادگیری به آزر عمویش القاء کرد که همان نفع و مصلحت در عبادت است و از این رو پرسش کرد که « لم تعبد ما لا یسمع و لا یبصر و لا یغنی عنک شیئا » بت های که نمی شنوند و نمی بینند چگونه می توانند کمک کنند و نفعی برسانند و سزاوار عبادت باشند. وی با این

سخن آزر را به تفکر واداشت و انگیزه دانستن را در آن ایجاد کرد که به دنبال آن باشد که بداند چه کسی سزاوار پرستش است.

۲. تشویق نمودن متربی: روش درست معلم آن است که متربی را با وعده و تشویق به دنبال خود بکشاند. براساس آیات فوق حضرت ابراهیم وعده هدایت به راه راست را به عمویش داد، تا مخاطب جامد الفکر را به تبعیت وادارد. « فاتبعنی اهدک صراطا سويا »

۳. بیان حقایق و ایجاد بصیرت در متربی: قانون شناخت در علوم تربیتی به ما می گوید که اگر متربی شناخت کافی در مورد تعلیم داشته باشد، کار برایش آسان می شود. از این رو حضرت ابراهیم عبادت بت ها را به عبادت شیطان ربط داد تا آزر خطر بت ها را بشناسد و از خواب غفلت بیدار شود. « یا أبت لا تعبد الشیطان ان الشیطان کان للرحمن عسیا »

۴. تهدید متربی: در شیوه تربیت هنگامی که توجه دادن به عقل و تشویق نتیجه نداد مربی به تنبیه روی می آورد. لذا حضرت ابراهیم بعد از طی مراحل تربیت، عذاب الهی را به آزر یاد آور می شود. « یا أبت انی اخاف ان یمسک عذاب من الرحمن » دکتر مصطفی رجب، موارد فوق را اعجاز تربیتی آیات مذکور می داند و می نویسد: « انه الاعجاز التربی للقرآن الکریم فی صورۃ من صورہ.... » (پیشین، ص ۷۰).

ابعاد علمی و نکات تربیتی آیات فوق

در آیات فوق ابعاد علمی، اهداف و روش ها، نکات تربیتی کاربردی و شگفت انگیز و جود دارد. هم چنین صفات جالبی برای متربی بیان شده که برخی از آن ها را دکتر مصطفی رجب بیان کرد و برخی دیگر قابل طرح و بررسی تفصیلی است از جمله:

الف. ابعاد علمی آیات

۱. اشاره به مباحث تاریخی « واذکر فی الکتاب ابراهیم » (مریم-۴۱).

۲. اشاره به برخی مباحث مدیریت مثل رهبری و تبعیت از آن

۳. اشاره به مباحث فرا روانشناختی مثل شیطان شناسی.

۴. اشاره به اهداف و روش های تربیتی.

ب. مباحث تربیتی آیات

۱. اهداف تربیت؛ از جمله هدایت، نجات از عذاب، بصیرت، جلوگیری از انحراف و هم نشینی و عبادت شیطان و عصیان گری در برابر پروردگار.

۲. روش های تربیتی؛ از جمله بشارت گری، هشدار گری، استدلال کردن، پرسش گری، دشمن شناسی.

۳. نکات تربیتی از جمله: جلب اعتماد متربی، احترام و ابراز محبت به متربی، شروع تربیت از خداشناسی، شروع با هدایت نزدیکان، یاد آوری تاریخ درس آموز انبیاء تقدم تشویق بر تنبیه، تبلیغ چهره به چهره. (رضایی اصفهانی، پیشین، ص ۱۴۲).

علل عدم توجه گذشتگان به اعجاز تربیتی قرآن

چنانچه در بحث پیشینه گذشت، تألیف در اعجاز تربیتی قرآن پیشینه طولانی ندارد و عمده آن ها در یک دهه گذشته بوده که در قالب کتاب، پایان نامه و مقاله نگارش یافته است. علتش چیست؟ به چند نکته اشاره می شود:

۱. توجه بیش از اندازه علمای قدیم به اعجاز بلاغی قرآن.
می توان گفت توجه بیش از حد به اعجاز بلاغی قرآن در طی قرن ها مخصوصا در صدر اسلام، مهم ترین دلیلی بوده است که باعث شده وجوه اعجاز قرآن کشف نگردد (ارزقی، ۱۳۹۶: ص ۶۱).

۲. عدم استقلال علم تربیت از سایر علوم
عده ای از محققین عدم توجه و بحث در باره اعجاز قرآن کریم را در عدم استقلال علم تربیت از سایر علوم در زمان گذشته دانسته و در این باره می نویسند: از زمانی که علم تربیت هویت مستقلی پیدا کرده است و مسلمانان با آن آشنا شده اند، آنان به قرآن نیز در مباحث تربیتی مراجعه کرده اند و پس از این مراجعه کشف کرده اند که مباحث تربیت قرآنی، بنیان محکم تری از مباحث تربیت بشری دارد و این گونه اعجاز تربیتی قرآن را استخراج کرده است. (پیشین).

۳. خلط مفهوم اخلاق و تربیت و عدم تفکیک بین این دو
در میان دانشمندان گذشته میان این دو مفهوم اخلاق و تربیت تفکیکی صورت نگرفته بود؛ از این رو آنان هنگام بحث در باره مباحث اخلاقی و تربیتی از عنوان اخلاق استفاده می کرده اند. این خود دلیلی بود بر اینکه به طور خاص و جداگانه به بررسی مباحث تربیتی نپردازند.

هم چنین برخی از پژوهشگران معاصر نیز به این مطلب اشاره کرده و نوشته است: «از آن جاکه اخلاق و تربیت به عنوان دو دانش مستقل در اعصار گذشته جدا نشده بود، در کتب قدیمی اخلاق معمولا مباحث اخلاق و تربیت با همدیگر ذکر می شدند و مرز روشنی بین آن ها قرار داده نمی شد (رضایی اصفهانی، پیشین، ج ۱، ص ۲۸).

بنابراین می توان گفت عدم تفکیک میان این دو مفهوم و مباحث مربوط به آن یکی از وجوه غفلت از بحث اعجاز تربیتی قرآن است.

نتیجه گیری

اعجاز تربیتی قرآن کریم، نقش قرآن در تحول تربیتی فرد و اجتماع است به گونه ای که دیگران از آوردن مثل این نوع از تربیت با این ویژگی های خاص عاجز باشند. موضوع اعجاز تربیتی قرآن کریم با ویژگی های منحصر به فردی که دارد جایگاه مهمی در میان مباحث میان رشته ای قرآن و تربیت دارد. این موضوع به دلایلی از جمله توجه بیش از اندازه به اعجاز بلاغی قرآن، عدم استقلال علم تربیت از سایر علوم، خلط مفهوم اخلاق و تربیت و عدم تفکیک بین این دو، اختلاف در تعبیر از اعجاز تربیتی با سایر وجوه اعجاز

قرآن در میان دانشمندان علوم قرآنی مورد غفلت قرار گرفته و پژوهش های قابل توجهی پیرامون آن انجام نشده است و عمدتاً این موضوع در دهه اخیر مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. کتبی که در آن ها از اعجاز تربیتی قرآن سخن به میان آمده دو دسته اند: دسته ای که به طور ضمنی از این موضوع بحث کرده اند و دسته ای که به طور مستقل به این موضوع پرداخته است.

منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن فارس، مقایس اللغة، ج ۴، ناشر: دار الفکر. تاریخ نشر: ۱۳۹۹ هـ ق.
۴. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، دمشق - سوریه، دارالقلم، ۱۴۱۶ هـ ق.
۵. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ناشر: دفتر نشر الکتاب، چاپ دوم، تاریخ نشر: ۱۴۰۴ هـ ق.
۶. محمد ابن منظور، لسان العرب، ج ۱. دار الاحیاء التراث، بی تا.
۷. محمد علی رضایی اصفهانی، علوم قرآن ۲، قم، مرکز نشر بین المللی المصطفی، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۸ هـ ش.
۸. رئیس اعظم شاهد، اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان، مرکز العالمی لدراسات الاسلامیه، ۱۳۸۸ هـ.
۹. بررسی اعجاز تربیتی قرآن، محمد علی رضایی، دو فصلنامه علمی - ترویجی قرآن و علم. سال پنجم، شماره ۹.
۱۰. محمد علی رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ج ۲. قم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن. ۱۳۹۱ هـ ش.
۱۱. مصطفی رجب، الاعجاز التربوی فی القرآن، ناشر: جدار للکتاب العالمی، عمان - اردن، ۲۰۰۶ م.
۱۲. فصلنامه قرآن و علم، سال پنجم، شماره ۹. رضایی اصفهانی.
۱۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳. دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ هـ ش.
۱۴. تفسیر موضوعی میان رشته ای قرآن و تربیت، رضایی اصفهانی، ج ۱، ناشر: موسسه فرهنگی دارالقرآن الکریم، ۱۳۹۴ هـ ش.